



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ اسفند ۱۴۰۱

مصادف با: ۱۴ شعبان ۱۴۴۴

جلسه: ۳۷

موضوع کلی: فقه رمز ارزها

موضوع جزئی: بررسی قهفی - ۱. استخراج - وجوه ملکیت رمز ارز در اثر استخراج - وجه اول: حیازت -

حق در وجه اول - وجه دوم: شرکت - بررسی وجه دوم

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

بحث در وجوه ملکیت رمز ارز در اثر استخراج بود؛ عرض کردیم بعد از آنکه از جهت حکم تکلیفی قائل به جواز استخراج شدیم، باید ببینیم آیا مستخرج مالک رمز ارز می شود و وجه ملکیت آن چیست؟ با چه عنوانی تحت ملکیت مستخرج درمی آید؟ برخی قائل شده اند به عنوان حیازت مالک می شود؛ دو اشکال نسبت به این مسأله وارد شده بود، که ما هر دو اشکال را پاسخ دادیم.

اشکال اول این بود که اساساً استخراج عبارت است از استیلاء بر چیزی که مالیت فعلیه دارد و مالیت رمز ارز هنوز به مرحله فعلیت نرسیده؛ پس نمی تواند حیازت باشد. ما به این اشکال اینگونه پاسخ دادیم که آنچه در حیازت معتبر است، وضع الید و الاستیلاء علی شیء است؛ اما اینکه آن شیء باید دارای مالیت فعلیه باشد، معتبر نیست.

اشکال دوم این بود آنچه که مورد حیازت قرار می گیرد باید از مباحات عامه باشد، یعنی ملک کسی نباشد؛ در حالی که رمز ارز ملک کسانی است که آن معادلات را طراحی می کنند و لذا نمی تواند حیازت صدق کند. ما به این اشکال هم پاسخ دادیم و گفتیم درست است معادلات پیچیده توسط برخی اهل فن طراحی می شود و به نوعی ملکیت معنوی آنها بر این معادلات ثابت است، لکن مسأله این است که استخراج در واقع باعث تولید رمز ارز می شود؛ یعنی نسبت به چیزی که اینها بعد از حل معادلات بدست می آورند، آنها مالک نیستند. به عبارت دیگر قبل از حل این معادلات چیزی وجود ندارد تا مملوک طراحان قرار گیرد. چون وقتی معادله را حل می کند، آن اعداد و ارقامی که بدست می آید در حقیقت رمز ارز است.

اللهم إلا أن یقال که بگوییم طراحان آن معماها و معادلات پیچیده، پیشاپیش پاسخ آنها را هم مقرر و معین کرده اند و نزد آنها معلوم است؛ آن اعداد و رموز وجود دارد و کاری که مستخرج می کند، آنها را کشف می کند. پس چیزی هست که مستخرج بخواهد آن را در اختیار بگیرد. لذا اگر چیزی موجود باشد، و تحت ملکیت معنوی طراحان این معماها باشند، چه بسا بگوییم از مباحات عامه محسوب نمی شود.

### حق در وجه اول

اینجا مطالب و سخنانی که مطرح شده اضطراب دارد؛

از برخی از کلمات برمی آید که خود این اعداد و رموز، رمز ارز هستند. یعنی طراحان آنها را معین کرده اند و نزد آنها معلوم است و لذا وقتی کسی به این اعداد و رموز دست پیدا می کند، در حقیقت چیزی ایجاد نمی شود، بلکه کشف این پاسخ بعینه همان رمز ارز است؛ همین اعداد و رموزی که بدست می آورد، اینها خودش رمز ارز است. البته از برخی توضیحات بدست

می‌آید که وقتی این شخص این اعداد و رموز را کشف می‌کند، آنگاه یک چیزی به عنوان جایزه به او تعلق می‌گیرد که آنها رمز ارز است. لذا می‌گویند همه کسانی که با ابزار و وسایل مورد نیاز مبادرت به استخراج رمز ارز می‌کنند، بالاخره بهره و نصیبی دارند؛ اما کسی که ابتدا به این پاسخ رسیده در حقیقت جایزه اصلی برای اوست ولی دیگران یک بهره ناچیزی از رمز ارز می‌برند. پس ممکن است بگوییم خود این اعداد و رموز، رمز ارز هستند و این خودش ارزش دارد؛ منتهی هرکسی زودتر به این پاسخ برسد، ارزش بیشتری دارد و هرکسی دیرتر برسد، ارزش اصلی خودش را از دست می‌دهد. اگر اینگونه مسأله را تصویر کنیم، می‌توانیم بگوییم اینها دارای مالک هستند که ملکیت معنوی این اعداد و رموز برای طراحان ثابت است. طبق این تصویر، اینها از مباحات عامه محسوب نمی‌شوند.

اما اگر گفتیم این اعداد و رموز غیر از رمز ارز است و کسی که این معادلات را حل کند و پاسخ صحیح که متناسب با همان سیستم طراحی شده می‌دهد، آنگاه یک چیزی به او داده می‌شود که آن هم البته اعداد و رموز است ولی عنوان جایزه دارد، این غیر از پاسخ خود معماست. اگر این را بگوییم، قهراً در این مسأله که اینها از مباحات عامه باشند اشکال می‌شود؛ چون چیزی وجود نداشته و مستخرج با پاسخ دادن صحیح به این معادله، چیزی را که از خود همان سیستم متولد شده در اختیار می‌گیرد. مثلاً این برنامه و بلاک چین به گونه‌ای طراحی شده که چنانچه کسی پاسخ صحیح به این معادلات بدهد، خود سیستم این جایزه را تولید می‌کند و به او می‌دهد؛ یعنی قبل از این چیزی وجود ندارد، تنها چیزی که هست، یک قابلیت است؛ قابلیت تولید چیزی به نام رمز ارز که آن هم مجموعه‌ای از اعداد و رموز است. این قابلیت وجود دارد که کسی که پاسخ صحیح بدهد، این جایزه در اختیار او قرار داده شود و این جایزه را به او بدهد؛ لذا قبل از آن چیزی وجود ندارد. اگر این باشد، اشکال یک صورت دیگری پیدا می‌کند و آن اینکه اساساً «شیئاً» محقق نیست تا «من حاز شیئاً ملکه» شامل آن شود.

**فتحصل مما ذکرنا کله** که طبق یک فرض که بر این اساس استوار است که شیئی ولو اعتباراً موجود است، این از مباحات عامه محسوب نمی‌شود، چون مالک دارد؛ مالکی که نسبت به این شیء ملکیت معنوی او ثابت است، از باب اینکه آن معادله و معما را به همراه پاسخش طراحی کرده است. اما اگر بگوییم پاسخ با رمز ارز جداست، پاسخ معادله درست است یک سری اعداد و رموز هستند، اما خود اینها رمز ارز نیستند بلکه این موجب می‌شود سیستم یک اعداد و رموز دیگری را در کیف پول آنها قرار دهد. اینجا شیئاً تحقق ندارد، بلکه او با حل معادله در حقیقت دارد خلق می‌کند این شیء را. آن وقت مشکل این است که «من حاز شیئاً» تحقق ندارد؛ باید چیزی باشد تا او حیازت کند، اما الان چیزی وجود ندارد. وقتی تلاش می‌کند و پاسخ را بدست می‌آورد، آن وقت سیستم یک چیزی به عنوان رمز ارز به او جایزه می‌دهد.

و کیف کان در هر صورت ما نمی‌توانیم وجه ملکیت رمز ارز را حیازت قرار دهیم.

سؤال:

استاد: اعراض نکرده‌اند؛ اینها نسبت به این شیء ملکیت معنوی دارند و می‌گویند این برای کسی است که زودتر به آن برسد یا زودتر پاسخ را پیدا کند. این در حقیقت تملیک به کسی است که گمشده‌ای را پیدا کند؛ مثل جعاله، که این را بعداً خواهیم گفت که وجهی است که برخی گفته‌اند. اینکه می‌فرمایید اعراض، بله، اگر چیزی موجود باشد و ما اصل موجود بودن این شیء را بپذیریم که خود این اول الکلام است، اگر موجود بودن این شیء را بپذیریم و بگوییم اینها گفته‌اند ما از این اعراض کردیم و

هر کسی توانست اینها را ببرد، اینجا ممکن است بگوییم اعراض ثبوتاً قابل تصویر است. اما در فرض دوم این هم تحقق ندارد. این وجه اول که ملاحظه فرمودید نمی‌تواند ملکیت را ثابت کند.

### وجه دوم: شرکت

وجه دوم که به استناد آن ممکن است ملکیت مستخرج را نسبت به رمز ارزها تصحیح و تصویر کنیم، شرکت است. برخی گفته‌اند به طور کلی استخراج رمز ارز مشمول عقد شرکت واقع می‌شود؛ به این بیان که اشخاص به کمک دستگاه‌ها و ماینرها سهام‌داران یک شرکت محسوب می‌شوند که هر کدام دارای سهمی هستند؛ چون گروهی این معادلات را طراحی کرده‌اند و این را در معرض شراکت دیگران قرار می‌دهند (این خیلی مهم است که ما ابتدا بتوانیم تصویر صحیح از این مسأله ارائه دهیم تا بتوانیم آن را بررسی کنیم)، طراحان این معماها با ابزارهایی که دارند و پاسخهایی که برای آنها معلوم است، این را در معرض شراکت دیگران قرار می‌دهند. شما فرض کنید همه کسانی که در دنیا وسایل استخراج را فراهم کرده‌اند، اعم از یک کامپیوتر و یک ماینر تا مزارع و استخراج‌های استخراج، همه در عملیاتی به نام استخراج شریک می‌شوند. بالاخره هر کسی یک آورده‌ای دارد؛ شرکت اصلی طراح یک آورده‌ای دارد، دیگران هم که سرمایه‌گذاری می‌کنند، آورده‌ای دارند چون ماینر می‌خرند و ابزارش را فراهم می‌کنند و انرژی مصرف می‌شود، اینها کأن همه با هم یک شرکت سهامی تشکیل می‌دهند و بعد که آن محصول و رمز ارز استخراج می‌شود، به اعتبار سرمایه‌ای که گذاشته‌اند و پاسخی که بدست آورده‌اند و اینکه چه کسی زودتر کشف کرده یا دیرتر، بالاخره به هر کسی یک نصیب و سهمی داده می‌شود؛ منتهی سهم اصلی برای اولین ماینری است که این را استخراج کند و دیگران سهم‌های بسیار ناچیزی دارند. پس کأن همه در این رمز ارز شریک هستند؛ مشترکاً سرمایه‌گذاری کرده‌اند و یک سری اموال مثلاً صدتا یا هزارتا رمز ارز وجود دارد، مثلاً هزارتا بیت کوین وجود دارد که ۹۰۰ تای آن به مستخرج اولی داده می‌شود و صدتای باقیمانده بین بقیه تقسیم می‌شود که سهمشان هم خیلی ناچیز است. لذا عده‌ای از باب شرکت می‌گویند مستخرج، مالک محسوب می‌شود. یعنی یک جایی شراکت کرده و یک چیزی بدست آورده است.

### سؤال:

استاد: اینکه آنها چه هدفی دارند .... این را قبلاً در بحث موضوع شناسی توضیح دادیم که شرکت‌هایی وجود دارند، مثلاً کسانی که معما و جدول درست می‌کنند، جوابشان را خودشان می‌دادند؛ این را برای تقریب به ذهن می‌گویم. هم خودش و هم حواشی آن ده‌ها فایده و منفعت می‌تواند برای اینها داشته باشد. اینجا در مورد رمز ارز هم همینطور است.

### بررسی وجه دوم

به نظر می‌رسد این وجه هم از جهاتی محل اشکال است. ببینیم آیا واقعاً این عملیات می‌تواند تحت عنوان شرکت قرار گیرد و موجب ملکیت مستخرج شود یا نه. از چند جهت این امر مخدوش است: هم حقیقت شرکت اینجا تحقق ندارد از نظر ماهوی و هم از حیث متعلق شرکت و هم از جهت اسباب آن.

اولاً: حقیقت شرکت عبارت است از اینکه چند نفر بر شیء واحد علی سبیل الاشاعه سلطنت پیدا کنند. وقتی می‌گویند این خانه به شراکت متعلق به زید و عمرو است، یعنی زید و عمرو در این خانه شریک هستند، و این معنایش این است که زید و عمرو در تمام اجزاء این خانه علی سبیل الاشاعه سلطنت دارند و مالک هستند، نه اینکه نصف معین خانه برای زید باشد و نصف دیگر برای عمرو. تک تک اجزاء تقسیم بر دو قسمت مساوی می‌شود. حال آیا اینجا واقعاً این امر تحقق دارد؟ آیا واقعاً

مستخرجین و سرمایه‌گذاران و کسانی که ماینر خریداری کرده‌اند، حال آیا نسبت به آنچه که استخراج می‌شود، علی‌سبیل الاشاعه مالک هستند؟ آیا این رمز ارزها به نحو مشاع بین مستخرجین تقسیم می‌شود یا اینکه هر کسی هر سهمی ببرد (چه آن کسی که زودتر از بقیه این را بدست آورد و چه دیگران) هیچ کدام علی‌سبیل الاشاعه مالک نیستند؛ چون آنچه که بدست می‌آورند، در کیف پول آنها قرار می‌گیرد و بتمامه و کماله متعلق به خودشان است. اشاعه در ملکیت یک رکن مهم در شرکت است و اینجا ملکیت علی‌نحو الاشاعه نیست، صرف نظر از مقدار و میزانش، آنچه به عنوان رمز ارز بدست می‌آید، یک سره داخل در کیف پول هر کسی قرار می‌گیرد و این تماماً متعلق به اوست و دیگران حق تصرف ندارند.

**ثانیاً:** جهت دیگر اینکه آیا اسباب شرکت در مسأله رمز ارزها تحقق دارد یا نه؟ اسباب یا موجبات شراکت یا قهری است یا اختیاری. شراکت قهری با موت تحقق پیدا می‌کند. وقتی کسی می‌میرد، وراثت در اموال باقیمانده به نحو اشاعه شریک می‌شوند. در موجب و سبب اختیاری، مسأله متفاوت است؛ آنها خودشان با هم قرارداد می‌بندند که مثلاً یک مالی را به نحو شراکت سهیم و مالک شوند. ما با بحث‌های حقوقی کار نداریم، از نظر فقهی عرض می‌کنیم؛ قرارداد و عقدی که براساس آن مشترکاً مالی در ملکیت همه قرار می‌گیرد. مثلاً مالی را وسط می‌گذارند و خانه می‌خرند و شریک می‌شوند، و اینجا هیچ یک از این دو سبب تحقق ندارد. یعنی در استخراج رمز ارز نه سبب قهری برای شراکت تحقق پیدا کرده و نه سبب اختیاری. عقدی در کار نیست، قراردادی نیست که بنشینند و شراکتاً کار و عملیاتی انجام دهند. هیچ عقد و قراردادی نیست؛ هر کسی می‌تواند بدون اطلاع دیگران و بدون آگاهی دیگران و بدون هیچ قراردادی، با نصب این دستگاه‌ها شروع کند به استخراج. پس شراکتی در کار نیست، چون سبب آن تحقق ندارند. پس ماهیثاً شراکت اینجا متصور نیست؛ از نظر اسباب و موجبات شراکت هم اینجا چنین چیزی مشاهده نمی‌شود.

البته از حیث اینکه شرکت به چه چیزی تعلق می‌گیرد، این می‌تواند عین باشد، می‌تواند منفعت یا حق باشد؛ عین، منفعت، حق و دین، در همه اینها شراکت می‌تواند محقق شود. شراکت در عین کاملاً معلوم است، شراکت در منفعت هم کاملاً معلوم است؛ منفعت سکونت در خانه می‌تواند متعلق به چند نفر باشد. شراکت در دین هم همینطور؛ کسی از دیگری طلبکار است، وراثت او در آن طلب همه به نحو اشاعه شریک‌اند. یا مثلاً حقی باشد، حق خیار، حق اینکه بتواند معامله‌ای را فسخ کند؛ در این حق هم شراکت قابل تصویر است. از نظر متعلق شراکت، اینجا ممکن است کسی بگوید اساساً رمز ارز یک کالا است؛ ممکن است بگوید یک منفعت است؛ این مهم نیست. از نظر آن کالا یا عین (یعنی متعلق شراکت)، رمز ارز این قابلیت را دارد، منتهی اینکه این را کالا بدانیم یا عین بدانیم، تأثیری ندارد.

پس مشکل اصلی این است که حقیقت شراکت در اینجا قابل تصویر نیست، به علاوه اسباب و موجبات شراکت در اینجا تحقق ندارد. بنابراین چطور این را بتوانیم تحت عنوان شرکت به عنوان وجه ملکیت مستخرج تصویر کنیم؟ لذا این وجه هم باطل است.

#### **بحث جلسه آینده**

دو وجه دیگر هم گفته شده که در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»